

«اسباب نزول رحمت الهی در عرفان اسلامی»

دکتر کرم عبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

چکیده مقاله:

رحمت الهی از چنان وسعت و گستردگی برخوردار است که همه چیز را در بر گرفته و موقوف علتی نیست، ولی درعین حال خداوند با فضل و احسان خود، اسباب و زمینه هایی را نیز مقرر فرموده تا بندگانش هر چه بیشتر از رحمت بی‌منتهاش بهره‌مند گردند، چنانکه توبه، صبر و خاموشی، گریه و زاری، شفقت و مهربانی و گذشت، زهد و فقر و درویشی عارفانه، تقوا، خوشخویی، فروتنی و... را کلید رحمت الهی و سبب بارش فتوحات ربانی قرار داده‌است. از آنجائیکه معرفت و آگاهی از اسباب و عوامل نزول رحمت الهی می‌تواند زمینه مناسبی را فراهم آورد تا طلبان فیض الهی، خود را در معرض نفحات و الطاف بی‌پایان او قرار دهند و هر چه بیشتر از مواهب آن برخوردار شوند، این مقاله برآن است که با الهام از مفاهیم عالیه و عرفانی و به‌روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به موضوع بپردازد و امید هست که مفید واقع گردد.

کلید واژه:

رحمت، توبه، فقر، صبر، قرب.

پیشگفتار

رحمت الهی از مسائل مهم حیات آدمی است، چراکه آفرینش مرهون آن بوده و دروسعت بی نظیر، آنچنانکه سراسر هستی را در بر می گیرد. « الوجود کله رحمة ». و محض لطف و احسان خداوندی و بخشش و فضل بی منت اوست. حال این پرسش به ذهن خطور می کند که: آیا اسباب و لوازمی نیز در نزول فیض الهی و بارش فتوحات ربّانی تأثیر گذار است؟

اندک تأملی در آثار معتبر عرفانی، وجود چنین زمینه هایی را به اثبات می رساند، چنانچه توبه وسیع ترین باب رحمت و صبر و خاموشی جذب کننده آن، گریه از ترس خدا کلید بخشایش، حضور در مجلس علم و ذکر عامل برخورداری از برکات الهی، شفقت و مهربانی و عفو، خشوع و خضوع، نماز و روزه و حج و به طور کلی تمامی عبادات، انسان را به حقّ تعالی که سرچشمه لطف و محبت است نزدیک می کنند و رحمت الهی را نازل می گردانند.

پیشینه بحث به قرآن کریم و احادیث شریفه بر می گردد که اهمیت موضوع را مورد تأکید قرار داده اند و در متون معتبر نظم و نثر عرفانی، چون کشف المحجوب هجویری، تفسیر عرفانی کشف الاسرار میسبدی، رساله قشیریه، اللّمع فی التصوف سراج، فصوص الحکم ابن عربی، مصباح الهدایه کاشانی، مرصاد العباد رازی، کیمیای سعادت و احیاء علوم الدین غزالی، آثار سنایی، شیخ احمد جام، عطار، حافظ و بخصوص مولانا نیز انعکاس یافته است. با عنایت به اهمیت موضوع، این مقاله بر آن است که با الهام از مفاهیم عالیه عرفانی و بروش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، برخی از مهمترین اسباب نزول رحمت را بیان نماید. باشد که در برخورداری بیشتر از دریای بی کران رحمت الهی و رساندن انسان به سعادت و کمال حقیقی مفید واقع گردد.

معانی واژه رحمت

رحمت مأخوذ از تازی است و به معنی بخشایش و مهربانی و مرحمت و شفقت و عفو و مغفرت و آمرزش و باران.^۱ در لسان العرب، رحمت در مورد انسان به معنی نرم دلی و عطوفت و رحمت خدا به معنی عطوفت و نیکی و رزق است.^۲ راغب اصفهانی در مفردات گوید: رحمت از جانب خدا، انعام و تفضل و از آدیان مهربانی و عاطفه است.^۳ مقصود این عربی^۴ از کلمه رحمت برابر روش ویژه خود، معانی اخلاقی آن، یعنی ایصال خیر و دفع شر یا شفقت بر بندگان و یا آمرزش گناهان نیست، بلکه وجود عام و شامل است که شامل بر همه امور و اشیاست.^۵ خلاصه سخن وی در این مقام این است که رحمت الهی در همه عالم ساری و جاری است و همه بندگان او از جن و انس، مطیع و عاصی، کافر و مومن، جماد و نبات و حیوان از آن مرزوق و به آن مرحومند، و از اقتضای این رحمت است مهر مادران به فرزندانشان و بالاخره باید گفت: «الوجود کله رحمة»^۶ رحمت عام یا رحمت رحمانی مدلول اسم الرحمن است و همان وجود عام است که شامل جمیع اشیاست، و همان نور است که در آیه مبارکه: «الله نور السموات و الارض»^۷ مذکور است. و به برکت آن اشیا از ظلمت نیستی در عرصه هستی ظهور می یابند. کاشانی (شارح آثار و عقاید ابن عربی) می نویسد: امام محقق جعفر بن محمد الصادق - علیه السلام - به این رحمت اشاره کرده، آنجا که فرموده است: «الرحمن» اسمی است مختص به خدا اما با صفت عام، یعنی با اینکه شامل کل است، مخصوص خداوند است. زیرا برای غیر او ممکن نیست که واسع کل باشد. اما رحمت خاص یا رحمت رحیمیة خاص که مدلول اسم الرحیم است، ممکن است یکی از دو رحمت زیر

۱- ناظم الأطباء، ج ۳، ص ۱۶۴۰.

۲- لسان العرب، ص ۱۷۴.

۳- مفردات الفاظ قرآن و غریب القرآن، ص ۱۹۱.

۴- محیی الدین ابن عربی، عارف مشهور و مبتکر نظریه وحدت وجود عرفا.

۵- محیی الدین ابن عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی، ص ۳۳۹.

۶- همان، ص ۳۴۲.

۷- سوره نور، آیه ۳۵.

باشد: اول اعطای وجود به اقتضای طبیعت اعیان^۱ ... وجود خاص را بر آنها اعطا فرماید. دوم اعطای رحمت است به حسب افعال بندگان.^۲

توبه

در میان ابواب رحمت الهی باب توبه از همه وسیع تر است. سعه این رحمت آنچنان است که فقط یک معصیت وارد حیطة آن نمی شود و آن شرک است. روزی شبلی رحمت الله جایی بگذشت، گوینده ای ه می گفت: «کل ذنب لک مغفور سوی الاعراض عنی» بانگی از وی جدا شد و بیهوش افتاد. چون به هوش آمد، مر او را گفتند ترا چه افتاد؟ گفت: آن قائل چنین گفت همه آمرزیده است مگر آنکه روی ما از ما بگردانی، من سماع این بیت نکردم، و لکن سماع این قول از قول خدای عزوجل کردم. «ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر مادون ذلک لمن یشاء». خدای عزوجل ه می گوید: روی از ما مگردان و بر ما بدل میار، دیگر هر چه کنی می آمرزم.^۳

توبه دلیل رحمت الهی است و سر هبوت آدم (ع) از بهشت توبه است تا توابیت و غفاریت خداوند ظهور یابد.

توبه عام است و بر همه مؤمنان واجب است و صفتی است که عمومیت و شمول دارد، به دلیل آیه شریفه: «و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون». توبه بازگشت در هر نفس است به صفت نیازمندی و فقر به حق تعالی تا از فیض سبحان آن چه که (از جهت رحمت رحیمی) فقط به او می رساند - فرا گیرد.^۴ به عقیده بزرگان صوفیه توبه نتیجه فضل و رحمت الهی است که شامل حال گناهکار می شود که: «یختص برحمته من یشاء» تا بدانید که عطاء محض است. به این معنی که توبه نتیجه توجهی است که از خالق به مخلوق می شود نه توجه مخلوق به خالق.

۱- اعیان: جمع عین است و نزد عارفان عبارت است از ذات شیء که اشیاء دیگر از او ظاهر می شوند.

۲- همان، ص ۳۴۸.

۳- شرح تعرف، ربع دوم، ص ۵۰۸-۵۰۹.

۴- ترجمه و متن فکوک، ص ۴۹.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی کوشش عاشق بیچاره بجایی نرسد

شخصی به رابعه عَدَوِیه گفت: کسی که گناه بسیار دارد اگر توبه کند در گذارد، گفت: چگونه توبه کند! مگر خدایش توبه دهد و در گذارد.^۱

مولانا گوید: که به اقتضای رحمت الهی، بهشت هشت در دارد که یکی از آن هشت در، در توبه است. درهای دیگر بهشت گاهی باز است و گاهی بسته. اما در توبه هماره باز است:

هست جنّت را ز رحمت هشت در آن همه گه باز باشد گه فراز

یک در توبه ست ز آن هشت، ای پسر و آن در توبه، نباشد جز که باز^۲

و شیخ عطار نیشابوری گوید:

گفت ای غافل مشو نومید ازو لطف می خواه و کرم جاوید ازو

گر به آسانی نیندازی سپر کار دشوارت شود ای بی خبر

گر نبودی مرد تائب را قبول کی بدی هر شب برای او نزول

گر گنه کردی، در توبه ست باز توبه کن کین در نخواهد شد فراز

گر بصدق آیی درین ره تو دمی صد فتوحات پیش باز آید همی^۳

صبر و خاموشی

صبر به معنای تحمل و شکیبایی و بردباری و ترک شکایت به غیر خداست. شکایت به غیر خدا مستلزم دوری از حق و عدم رضا به احکام اوست و شکایت به خدا، اظهار عجز و نیاز به اوست و اینکه حضرت حق قادر به از بین بردن موجبات سختی و بلاست و این پسندیده است. بنده عارفی گوید:

۱- تاریخ تصوف در اسلام، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۲- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ص ۷۱۲.

۳- منطق الطیر، عطار نیشابوری، ص ۱۰۱.

حسین را چو پناهی بغیر جانان نیست چون دوست قهر کند هم به دوست بگریزد
از که جویم انس دل، چون مونس جان یاد توست با که گویم درد خود چون غایت درمان تویی^۱

نزول رحمت الهی برای صبرکنندگان به حدی است که خداوند به آنان پاداش نامتناهی و بی حساب خواهد داد کمتر مقامی است که پاداش آن بی حساب باشد: « انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب »^۲ یعنی بدرستی که جزا و پاداش و مزد صابران به تمام و کمال داده خواهد شد و این اجر بی نهایت است. و نیز حق تعالی به صابران بر بلا وعده رحمت و مغفرت داده است، چنانکه در حدیثی آمده: هر بنده ای را که بلا فرستادم و صبر کرد و گله نکرد فرا^۳ خلق اگر ببرم به رحمت خویش برم.^۴

همچنین خداوند در قرآن کریم حضرت رسول (ص) را مورد خطاب قرار می دهد: « واصبر لحکم ربک فانک باعیننا »^۵ یعنی شکیبا باش در حکم پروردگارت که تو در منظر ما هستی. مراد از «باعیننا» نظر عنایت و شفقت و رحمت است. پس هر که او بار خلق کشنده تر، نظر و عنایت ما با او بیشتر.^۶

مولانا صبر و تأنی را از لطف و رحمت حق و عجله و شتاب را از شیطان می داند:

مکر شیطان است تعجیل و شتاب لطف رحمان است صبر و احتساب^۷

یکی دیگر از زمینه های نزول رحمت الهی سکوت و خاموشی است. حق تعالی به کسانی که آیات قرآن را می شنوند و در برابر آن سکوت می کنند وعده رحمت و مغفرت داده است: «

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- فصوص الحکم، ص ۶۳۱.

۲- سوره زمر، آیه ۱۰.

۳- فرا: به.

۴- کیمیایی سعادت، ص ۶۷۲.

۵- سوره طور، آیه ۴۸.

۶- شرح تعرف، ربع سوم، ص ۱۲۶۴.

۷- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ص ۷۰۸.

و اذا قرى القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون^۱ هنگامی که قرآن خوانده می شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید.
مولوی در مثنوی با اشاره به آیه فوق می گوید:

چون توگوشی، اوزبان، نی جنس تو گوشها راحق بفرموده: انصتوا

زیرا تودر مرتبه گوشی و انسان کامل در مرتبه زبان، تو شنونده ای و اوگوینده، و پروردگار به گوشها و شنندگان فرمان داده است: هرگاه قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموشی گزینید، باشد که از لطف و رحمت پروردگار، برخوردار شوید.^۲ حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: «من صمت نجا»^۳ هرکس خاموشی گزیند نجات یافت و نیز از آن حضرت روایت شده: چون مؤمنی خاموش وبا وقار بیند به وی نزدیک گردید که وی بی حکمت نباشد.^۴

در کتاب اللمع ابونصر سراج (از عرفای بزرگ و ملقب به طاووس الفقرا) از حضرت علی (ع) نقل شده: همه خیر در چهار چیز است و یکی از آنها صمت و خاموشی است.^۵
و مولانا نیز صبر و خاموشی را جاذب رحمت الهی می داند:
صبر و خاموشی جذوب رحمت است وین نشان جستن، نشان حکمت است

گریه و زاری

گریه از ترس خدا کلید رحمت و بخشایش الهی است و حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید: «البكاء من خشية الله مفتاح الرحمة»^۶ اهمیت گریه در گشایش درهای رحمت الهی به اندازه ای است که پیشوایان دینی توصیه نموده اند، اگر گریه نکردی، خود را وادار کن و

۱- سورة اعراف، آیه ۲۰۴.

۲- همان، دفتر اول، ص ۴۴۹.

۳- احادیث مثنوی، ص ۲۱۹.

۴- کیمیای سعادت، ص ۴۷۲.

۵- اللمع فی التصوف، ص ۷۲.

۶- غرر الحکم و درر الکلم، جلد یکم، ص ۹۵.

سعی نما تا شاید اشکی بیاید، این حالت را «تباکی» گویند که امام صادق (ع) فرمود: «و ان لم یکن بک بکاء فلیتباک»

یعنی اگر گریه ای نداشته‌ی لافل تباکی داشته باشی.^۱

از نظر مولانا برای دریافت رحمت الهی باید مانند طفل خردسال چشمی گریان داشت:

چشم گریان بایدت چون طفل خرد کم خور آن نان را که نان آب تو برد^۲

همانطوری که چمن هنگامی شاداب و خرم می شود که ابر گریه کند یعنی بیارد و لازمه جوشش در پستان مادر، گریه کودک شیرخوار است، خداوند نیز شیر لطف و رحمت خود را بدون گریه کمتر می نوشاند:

تا نگرید ابرکی خندد چمن تا نگرید طفل کی جوشد لبن

طفل یک روزه همی داند طریق که بگرید تا رسد دایه شفیق

تو نمی دانی که دایه دایگان کم دهد بی گریه شیر او رایگان^۳

گریه موجب می شود که دریای رحمت حق به جوش آید و مواج گردد و آن بنده گریان از نعمت برخوردار گردد. رحمت به حق بستگی دارد به گریه های خوب و لطیف که از ژرفای دل برآید. هر گاه بنده ای از سر اخلاص بگرید از دریای رحمت امواجی برمی خیزد.

چون بگریانم، بجوشد رحتم آن خروشاننده بنوشد نعمتم

رحتم موقوف آن خوش گریه هاست چون گریست از بحر رحمت موج خاست^۴

چنانچه در مثنوی مولانا و در داستان حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه قدس الله سره العزیز جهت غریمان به الهام حق، سرانجام عطیه الهی را به خاطر گریه کودک حلوا فروش می

۱- آیین بندگی و نیایش، ص ۱۱۹.

۲- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ص ۵۴.

۳- همان، دفتر دوم، ص ۵۳.

۴- همان، دفتر دوم، ص ۱۳۳.

داند و البته مراد از طفل، طفل چشم انسان است که اگر می خواهد خلعت و موهبتی را به دست آورد باید آن را به گریستن وا دارد:

تسانگرید کودک حلووا فروش بحر رحمت در نمی آید به جوش
ای برادر، طفل، طفل چشم توست کام خود موقوف زاری دان درست
گرهمی خواهی که آن خلعت رسد پس بگریان طفل دیده برجسد^۱

خوشا به سعادت آن چشمی که از شوق لقای خدا گریان باشد، و خجسته باد آن دلی که از سوز و عشق او بریان و تفتیده باشد. سرانجام هر گریه، خنده ای است؛ هرکس عاقبت بین باشد بنده مبارک و فرخنده ای است.

برای مثال هر جا که آب روان باشد، در آنجا سبزه می روید؛ و هر جا که اشک ریزان باشد، ثمره آن گریه، حصول رحمت خداست:

ای خنک چشمی که آن، گریان اوست ای همایون دل، که آن، بریان اوست
آخر هر گریه، آخر خنده ای است مرد آخر بین، مبارک بنده ای است
هر کجا آب روان، سبزه بود هر کجا اشکی دوان، رحمت شود^۲

در کشف الاسرار میبدی آمده: گریستن که از بهر حق باشد جلّ جلاله، دو قسم است: گریستن به چشم و گریستن به دل - گریستن به چشم گریستن تائبانست که از بیم الله، بر دیدار معصیت خویش گریند، و گریستن به دل گریستن عارفانست که از اجلال حق بر دیدار عظمت گریند، گریستن تائبان از حسرت و نیازست، گریستن عارفان از راز و ناز است.^۳

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- همان، ص ۱۴۹.

۲- همان، دفتر اول، ص ۲۵۵.

۳- کشف الاسرار میبدی، جلد پنجم، ص ۹۷۷.

مهربانی و گذشت

شفقت و مهربانی بر ضعیفان و ناتوان نیز سبب نزول رحمت الهی است. امام عارفان حضرت علی (ع) می فرمایند: « ارحموا ضعفاءکم فالرحمة لهم سبب رحمة الله لکم». و به موجب روایت دیگری از آنحضرت، با رحمت کردن، رحمت نازل می گردد: «ببذل الرحمة تستنزل الرحمة»^۱.

و نیز خداوند در قرآن مجید عفو و گذشت را از اسباب نزول رحمت الهی بشمار می آورد: «وان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم»^۲.

از دیدگاه مولانا نیز عفو و گذشت از زمینه های نزول رحمت الهی است: عفو کن تا عفو یابی در جزا می شکافد موقدر اندر سزا

پس تو از لغزش دیگران درگذر تا به پاداش آن مشمول عفو شوی، زیرا تقدیر الهی در خصوص پاداش و مکافات بسیار دقیق عمل می کند.^۳

و نیز مولوی سرچشمه همه بخششها را لطف الهی می داند: عفو خلقان همچو جوو همچوسیل هم بدان دریای خود تازید خیل

بخشیدن مردمان مانند جویبار و سیلاب به سوی دریای خود می تازند. همه عفوها مانند جویبار و سیلاب به مرکز عفو یعنی به حضرت حق رجوع می کند و هر عفو و بخششی که در این جهان دیده می شود، سرچشمه اش لطف الهی است.

در انجیل آمده که حضرت عیسی (ع) فرمود: پس رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است... و عفو کنید تا آمرزش شوید! بشر حافی از بزرگان مشایخ صوفیه می گوید: شبی مرتضی - علیه السلام - به خواب دیدم. گفتم: یا امیرالمؤمنین مرا پندی ده گفت: چه نیکوست

۱- غررالحکم و دررالحکم، جلد یکم، ص ۳۲۱.

۲- سورة تغابن، آیه ۱۴.

۳- شرح جامع مثنوی، دفتر پنجم، ص ۹۷۷.

۴- تاریخ جامع ادیان، ص ۶۰۱.

شفقت توانگران به درویشان، برای طلب ثواب رحمانی و از آن نیکوتر تکبر درویشان بر توانگران، و اعتماد بر کرم آفریدگار جهان.^۱

و خداوند به موسی (ع) وحی فرمود: بر مردم رحم کن تا من نیز به تو رحم کنم، زیرا من رحیمم. هر کس به دیگران رحم کند او را خواهم بخشید و جنتش می دهم، خوشا به حال مهربانان.^۲

فقرو درویشی

فقریکی از مراحل سیر و سلوک و اوّل قدم تصوف است. مولانا عبدالرحمن جامی در نفحات الانس درباره فقر می گوید:

اما فقرا آن طایفه اند که مالک هیچ چیز از اسباب و اموال دنیوی نباشند و در طلب فضل و رضوان الهی ترک همه کرده باشند. و باعث این طایفه بر ترک یکی از سه چیز است: اول رجا و تخفیف حساب یا خوف عقاب چه حلال را حساب لازم است و حرام را عقاب، دوم توقع ثواب و مسابقت در دخول جنت چه فقرا پانصد سال پیش از اغنیا به بهشت درآیند، سوم طلب جمعیت خاطر و فراغت اندرون از برای اکثار طاعات و حضور دل در آن. فقر واقعی فقدان غنا نیست، بلکه فقدان میل و رغبت به غنا است یعنی هم قلب صوفی باید تهی باشد و هم دستش و در این معنی است که صوفی «الفقر فخری» می گوید و با مباهات خود را فقیر و درویش می نامد زیرا مفهوم آن است که فقیر باید از هر فکر و میلی که او را از خدا منحرف کند برکنار باشد. فقیر به این معنی ممکن است ثروتمند باشد یا جاه و مقام صوری داشته باشد و در عین حال روحاً و معنیاً افقر فقرا بشمار آید، زیرا گاهی خداوند اولیای خود را ظاهراً به لباس اهل ثروت و دنیا و صاحبان جاه و مقام در می آورد تا آنها را از انظار اهل ظاهر مخفی بدارد.^۳

۱- شرح جامع مثنوی، دفتر پنجم، ص ۹۸۱.

۲- تذکرة الاولیاء، ص ۱۳۴.

۳- تاریخ تصوف در اسلام، ص ۲۷۷-۲۷۸.

در منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری آمده: ^۱ فقر آن است که بنده به سابقه ازل که همان عدم ذاتی اوست باز گردد، با مطالعه و نگرش فضل الهی.^۲

در مرصاد العباد نجم رازی اشاره لطیفی است به حدیث مذکور:

اما آنچه نصیب من است در بی نصیبی است، و کام من در ناکامی، و مراد من در نامرادی، و هستی من در نیستی، و توانگری و فخر من در فقرست. «الفقر فخری»

ای محمد (ص) این چه سر است که تفاخر به پیشوایی و سروری انبیاء نمی کنی و به فقر فخر می کنی، زیرا که راه ما بر عشق و محبت است، و این راه به نیستی توان رفت، و پیشوایی و سروری و نبوت همه هستی است.

این راه آنست که جز به کم نتوان رفت تا کم نشوی در و قدم نتوان زد تا کم نشوی و کمتر از کم نشوی اندر صف عاشقان تو محرم نشوی^۳

از نظر مولانا، در فقر حقیقی هزاران عزت و سرپلندی نهفته است، زیرا درویشان، برتر از مال و منال، روزی سترگی دارند که از بارگاه الهی به آنان می رسد:

فقر فخری از گزاف است و مجاز نی هزاران عز پنهان است و ناز زآنکه درویشان، و رای ملک و مال روزی دارند زرف، از ذوالجلال^۴

شیخ جنید^۵ رحمه الله علیه گوید: رحمت حق تعالی بر فقیر در سه وقت فرود آید: یکی وقت طعام خوردن که نخورد الا به وقت حاجت و ضرورت و دیگر آن گاه که سخن گوید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال بین المللی علوم انسانی

۱- خواجه عبدالله انصاری، محدث و صوفی بزرگ قرن پنجم هجری.

۲- شرح منازل السائرین، ص ۱۶۶.

۳- مرصاد العباد، ص ۱۵۷-۱۵۵.

۴- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۶۲۱.

۵- شیخ جنید بغدادی از صوفیان بزرگ است و از القاب اوست سید الطائفه، لسان القوم و طاووس العلماء.

سخن نگویید مگر به ضرورت و سه دیگر اندر وقت سماع،^۱ از آن که سماع نکند مگر از وجد.^۲

موارد دیگری از اسباب نزول الهی به اجمال

پیروی از آیات قرآن مجید و آراسته شدن به حقایق این کتاب و رعایت تقوا و پرهیز از معصیت زمینه ساز نزول رحمت است: «و هذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه واتقوا لعلکم ترحمون».^۳ و این است کتابی که به خیر و برکت فرستادیم، پس بیایید از این کتاب پیروی کنید و (از مخالفت آن) بپرهیزید تا مورد رحم خدا قرار گیرید.

اصلاح میان برادران دینی و رعایت تقوا رحمت را نازل می گرداند: «فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون».^۴ پس میان برادران دینی خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.

ذکر و یاد صالحان و نیکان رحمت الهی را نازل می کند: «عند ذکر الصالحین تنزل الرحمة».^۵

صدقه هم از زمینه های نزول رحمت است: «الصدقة ترد البلاء و تنزل الرحمة». صدقه بلا را می راند و رحمت را می باراند.^۶

حضور در مجلس علم و حلقه تائبان و اهل صلاح، سبب برخورداری انسان از رحمت و برکات الهی است. شیخ احمد جام گوید، و هرگز نباشد که رحمت حق تعالی در مجلس علم، و حلقه تائبان و اهل صلاح بر سر ایشان نثار نشود، و بهره آن برایشان نرسد.^۷

۱- سماع: شنیدن، سرور و پایکوبی و دست افشانی صوفیان را گویند.

۲- وجد: واردی است که از حق تعالی آید. (متن و ترجمه فکوک)، ص ۱۶۱.

۳- سوره انعام، آیه ۵۵.

۴- سوره حجرات، آیه ۱۰.

۵- اسرار التوحید، ص ۷.

۶- شرح تعرف، تعلیقات، ص ۱۸۹۱.

۷- مفتاح النجات، ص ۳.

و نیز زهد در دنیا موجبات نزول رحمت الهی را فراهم می‌سازد، چنانکه حضرت علی (ع) فرموده است. در جهان زهد را پیشه کن تا رحمت خدا بر تو سرازیر شود: « ازهدفی الدنيا تنزل علیک الرحمة »

زهد در لغت ترک میل به چیزی است و در اصطلاح عدم رغبت به متاع دنیا و روی گرداندن به متاع دنیا و روی گرداندن از اغراض دنیوی است. برای اینکه دنیا در برابر عقبی ناچیز است و دنیا و عقبی در برابر حق قدر وارجی ندارد:

زهی همت حافظ راست از دنیا و عقبی نیاید هیچ درچشمش بجز خاک سرکویت

و دیگر تواضع و فروتنی است، چنانکه در مثنوی معنوی آمده: هر کجا دردی وجود داشته باشد، دارو و درمان نیز همان جا می‌رود؛ و هر جا که نشیبی باشد آب همان جا سرازیر می‌شود. اگر واقعاً به آب رحمت نیاز داری، برو فروتنی پیشه کن و سپس شراب رحمت درکش و مست شو:

هر کجا دردی، دوا آنجا رود هر کجا پستی است، آب آنجا رود
آب رحمت بایدت، روپست شو وانگهان خورخمر رحمت، مست شو^۱

حضور در مجالس ذکر نیز از اسباب نزول رحمت الهی است، رسول اکرم (ص) فرموده است: هیچ قومی در مجلس ذکر حق تعالی ننشیند که نه ملائکه گرد ایشان درآیند و رحمت بر ایشان نازل شود و خدای تعالی در میان مقربان خود ایشان را یاد کند.^۲

سلام کردم مسلمانان به یکدیگر رحمت را نازل می‌گرداند: [گویند] سری سقطی^۳ روز عید بیرون شد، مردی بزرگ پیش او آمد (سری) سلام کرد او را، سلامی ناقص. [او را] گفتند این مردی بزرگست گفت دانم و لیکن روایت کنند از پیغمبر (ص) که گفت: چون دو مسلمان

۱- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص ۴۸۷.

۲- ترجمه احیاء علوم الدین، جلد اول، ص ۶۴۷.

۳- سری سقطی صوفی و عارف مشهور.

بهم رسند صد رحمت برایشان قسمت کنند، نودونه آنرا بود که خوش منش تر بود، خواستم که نصیب او بیشتر باشد.^۱

و همچنین خوشخویی از موجبات نزول رحمت است، رسول اکرم (ص) فرمود: « خُلِقَ نیکو گناه را همچنان نیست کند که آفتاب یخ را.»^۲

ناقص جسمانی مشمول رحمت حق است و چنین کسی شایسته نفرین و قهر نیست:

زانکه ناقص تن بود مرحوم رحم نیست بر مرحوم لایق، لعن و زخم

اشاره است به حدیث: «ذهاب البصر مغفره للذنوب و ذهاب السمع مغفره للذنوب و ما نقص من الجسد فعلی قدر ذلک». از دست رفتن بینایی، موجب آمرزش گناهان است، و از دست رفتن شنوایی موجب آمرزش گناهان است و هر اندازه از جسم کاهد به همان مقدار آمرزش دهد.^۳

عاری ساختن از فضیلت‌های خود بیانه، رحمت الهی و فتوحات ربّانی را هر لحظه می باراند:

خویش را عریان کن از فضل و فضول تا کند رحمت به تو هر دم نزول^۴

فضل و رحمت الهی به سوی شخصی که با خضوع و خشوع و خاکساری دعا می کند پرواز می کند:

دست اشکسته برآور در دعا سوی اشکسته پرد فضل خدا^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- رساله قشیریه، ص ۴۱۴.

۲- کیمیای سعادت، ص ۴۲۸.

۳- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص ۳۹۳.

۴- همان، دفتر ششم، ص ۶۲۹.

۵- همان، دفتر پنجم، ص ۱۵۳.

رحمت الهی به سوی ناله و تضرع بنده می رود :

زور را بگذار و زاری را بگیر رحم سوی زاری آید ای فقیر^۱

هر کس چهل قدم ، نابینایی را راه ببرد ، آمرزیده و رستگار خواهد شد:

هر که چهل قدم ، کوری را کشد گشت آمرزیده و یابد رشاد^۲

و جماعت مایه رحمت است، و تفرقه، سبب عذاب . «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب»^۳.

جمع کن خود را ، جماعت رحمت ست تا توانم با تو گفتن آنچه هست^۴

رنج، گنج خانه ای است که رحمت های فراوانی در آن نهفته است:

رنج، گنج آمد که رحمتها در اوست مغز، تازه شد، چو بخراشید پوست^۵

مؤمن، چشمه و منبع آب رحمت است، و آب حیات، همانا روح پاک نکوکار است.

چشمه آن آب رحمت، مؤمن است آب حیوان ، روح پاکِ مُحسن است^۶

اسباب و موجبات رحمت الهی به موارد مذکور فوق محدود نمی گردد و بلکه تمامی عبادات اعم از فرایض و نوافل، که انسان را بسوی کمال سیر می دهند و به خداوند که کانون و سرچشمه رحمت و لطف و محبت است نزدیک می کنند و در نهایت به قرب ربوبی می رسانند، از مهمترین عوامل آن محسوب می گردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- همان، ص ۱۴۵.

۲- همان، دفتر چهارم، ص ۴۲۹.

۳- احادیث معنوی، ص ۳۱.

۴- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ص ۹۳۱.

۵- همان، دفتر دوم، ص ۶۵۰.

۶- همان ، ص ۳۲۷.

چنانکه طهارت و پاکیزگی، سبب مغفرت گناهان می‌ردد و در خبر است که: هرکه طهارت کند و ذکر خدای تعالی می‌کند، جمله اندامهای وی پاک شود از همه گناهان و خطاها که بر وی رفته باشد.

و نماز ستون دین مسلمانی و معراج مؤمن و سبب بارش باران رحمت الهی است و به موجب روایتی اگر کسی پنج بار در روز در آبی روشن خود را بشوید، هیچ چرکی در بدنش باقی نمی‌ماند، نمازهای پنجگانه، همچنان گناه را از بین ببرد.

و زکات سبب شکر نعمت و تطهیر دل از ناپاکی و محبت و دوستی حق تعالی می‌گردد که سرچشمه هر رحمتی است. و روزه عبادتی است که در فضیلت آن همین بس که خداوند این عبادت را به خود نسبت خاصی داد و پاداش آنرا خود خواهد داد: « الصوم لی و انا اجزی به » روزه از آن من است و من پاداش آنرا می‌دهم.

و حج مقبول عبادتی است که شخص را از گناهان چنان پاک کند همچون آن روز که از مادر متولد گردیده است و به موجب روایتی، شیطان را نبینند در هیچ روز خوارتر و حقیرتر و زرد روی تر از آنکه در روز عرفه، از بس که خدای تعالی بر خلق رحمت نثار کند.

نتیجه گیری

نتیجه حاصل از این تحقیق بیانگر وسعت بی نظیر رحمت الهی که سراسر هستی را در بر گرفته و نیز لطف و عنایت خداوند نسبت به انسان می‌باشد که علاوه بر رحمت عام، او را مشمول رحمت خاص خود نیز کرده است و اسباب و زمینه های بسیاری را برای او فراهم آورده تا هر چه بیشتر از اقیانوس رحمت حق تعالی فیض ببرد و موجب می‌گردد که آدمی با تمام وجود سپاسگزار چنین خالق مهربانی باشد و طریق عبودیت و بندگی را در پیش بگیرد و بدین ترتیب به سعادت و کمال واقعی و بالاترین مراتب قرب ربوبی برسد که غایت آفرینش اوست.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن عربی، محیی الدین، فصوص الحکم، شرح خوارزمی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲- ابن منظور، لسان العرب، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.
- ۳- احمد جام، ابی نصر، مفتاح النجات، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
- ۴- انصاری، محمد، غررالحکم و دررالکلم، مجموعه کلمات قصار علی (ع).
- ۵- جهانگیری، محسن، محیی الدین ابن عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- ۶- حکمت، علی اصغر، تاریخ جامع ادیان، جان بی ناس، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۷- حلی، احمد بن فهد، آئین بندگی و نیایش، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۸- رازی، نجم، مرصاد العباد، محمد امین ریاحی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۹- راغب اصفهانی، مفردات، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.
- ۱۰- زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۱۱- السراج الطوسی، ابی نصر، اللّمع، دارالکتب الحدیثه بمصر.
- ۱۲- شیروانی، علی، شرح منازل السائرین، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۹.
- ۱۳- عطار نیشابوری، فریدالدین، منطق الطیر، سید صادق گوهرین، علمی و فرهنگی ۱۳۷۵.
- ۱۴- غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۲.
- ۱۵- غنی، قاسم، تاریخ تصوف در اسلام، انتشارات زوار، ۱۳۶۴.
- ۱۶- فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۷- فروزانفر، بدیع الزمان، ترجمه رساله قشیریه، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۱۸- قونوی، صدرالدین، ترجمه و متن فکوک، محمد خوارزمی، انتشارات مولی، ۱۳۷۱.
- ۱۹- گیلانی، شیخ عبدالقادر، فتح الربانی، ترجمه محمد جعفر مهدوی، نشر احسان، ۱۳۶۹.
- ۲۰- محمد بن منور، میهنی، اسرارالتوحید، محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، ۱۳۷۶.
- ۲۱- مستملی بخاری، اسماعیل، شرح تعرف لمذهب التصوف، محمد روشن، ۱۳۶۳.
- ۲۲- میبدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار و غده الابرار، علی اصغر حکمت، امیر کبی، ۱۳۷۱.
- ۲۳- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء)، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۰.

Cauese of Almighty God's Mercy Descent

in Islamic Mysticium

Dr. Karam Ebadi Joekendan,
Assistant professor of Islamic Azad University,
Khalkhal Unit.

Abstract:

God's mercy is so vast and overreached that it contains every thing and does not depend on any cause. However, Almighty God has provided back grounds whit his benevolence and grace for his slaves to get as many benefits as available on earth. Examples are God's bounties that are deemed to be keys to an access to God's mercy and causes of his Divine's fall of openings. Repentance, patience and reticence, crying, compassion and kindness, piety and mystic mendicity, virtuosity, good temper, humility and etc. Since Knowledge and awareness of what are referred to us causes of the descent of God's mercy provide a good grond for the diserous people to subject themselves to his endless mercy and emanations and take advantage his bounties much further.

This paper intends to deal with this subject by being revelled by supreme mystical texts in a descriptive approach and by using the related sources and hoping that it would prove useful.

Keywords:

mercy, repentance, poverty, patience and nearness or proximity.